

موقعیت کاشغر در جاده ابریشم (در متون ایرانی - اسلامی)^۱

دکتر محمد باقر وثوقی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱/۲۳

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۴/۲/۲۰

چکیده

جاده ابریشم یکی از مهمترین راههای ارتباطی تمدنهای قدیم و مسیر اصلی تبادلات شرق به غرب و غرب به شرق بوده است. این مسیر بسیار طولانی در طول تاریخ از آبادانی و رونق زیادی برخوردار بوده و نقش اصلی را در مراودات اقتصادی جهان ایفا کرده است. در این مسیر تجاری، علاوه بر تبادل کالا، فرهنگها؛ سنتها؛ آداب و رسوم ملتها نیز از چین به غرب و از غرب به چین منتقل شده است. اهمیت و نقش اساسی این جاده در تاریخ مناسبات اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی جهان، بر هیچکس پوشیده نیست. در این میان ایستگاهها و توقفگاههای مهم آن، در طول تاریخ دارای اهمیت و جایگاه ویژه‌ای بوده‌اند. یکی از مناطق مهم در مسیر جاده ابریشم، «کاشغر»^۳، بوده که بدلیل موقعیت خاص جغرافیایی، موجب توجه نویسندگان و مورخان بدانجا شده است. کشور ایران، یکی از قدیمیترین کشورهای آسیایی است که در میانه جاده ابریشم قرار داشته و نقش واسطه ارتباطی بین چین و کشورهای غرب را در این مسیر، ایفا کرده است. به همین دلیل نویسندگان؛ مورخان؛ ادیبان و جغرافی‌نویسان ایرانی، همواره درباره این مسیر تجاری، بویژه کاشغر و ایستگاههای آن، مطالبی نوشته و آنها را نسل به نسل به دیگران منتقل کرده‌اند. بررسی و مطالعه اینگونه منابع و معرفی آنها، میتواند کمک شایانی به روشنتر شدن کیفیت تبادلات اقتصادی

۱. این مقاله برگرفته و تغییر یافته از متن سخنرانی نویسنده (دکتر محمد باقر وثوقی) است که با همین عنوان، در سال ۲۰۱۲ م. در دانشگاه «ارومچی»، مرکز ایالت «سین کیانگ» چین، ارائه شد.

۲. استاد تاریخ، دانشگاه تهران.

۳. Kashgar. در غربی‌ترین نقطه ایالت «شین جیانگ» کنونی چین واقع شده و مسیرهای ارتباطی پایتخت قدیم چین به سمت غرب (که از صحرای بزرگ تا کلاماگان میگذرد) از شهر کاشغر عبور میکند و به سمت ماوراء النهر و فلات مرکزی ایران میرود.

و فرهنگی جاده ابریشم داشته باشد. این مقاله تلاش میکند که با بررسی متون اسلامی، به معرفی اجمالی «موقعیت کاشغر در جاده ابریشم» بپردازد. همچنین عمده توجه این نوشتار بر شناساندن نویسندگان این آثار و بیان گزیده‌یی از آگاهیها در مورد «کاشغر» استوار شده و نیز بر تقسیم‌بندی و معرفی کوتاه متون فارسی، درباره «کاشغر» اختصاص یافته است. بنابراین، در این نوشتار موضوع کاشغر در سه بخش «کاشغر در متون تاریخی، جغرافیایی و ادبی قرون نخستین اسلامی تا دوره صفویه»؛ «کاشغر در متون منظوم فارسی»؛ «موقعیت کاشغر در جاده ابریشم، بر اساس یک نقشه تاریخی از دوره مغول» بعنوان یک مسئله تاریخی، مورد مطالعه و ارزیابی قرار میگیرد.

کلید واژگان

جاده ابریشم؛ کاشغر؛ متون اسلامی؛ متون تاریخی؛ متون جغرافیایی؛ متون نظم فارسی؛ نقشه تاریخی؛ دوره مغول.

مقدمه

آشنایی ایرانیان با «کاشغر» از دوره مغول ببعده، قرن هفتم و هشتم هجری قمری / قرن چهاردهم میلادی، با توجه به داستانی که در کتاب *گلستان سعدی* درباره این شهر آورده شده است، وارد مرحله جدیدی شد و نام شهر کاشغر در ذهن و یاد همه ایرانیان که کم‌وبیش با آثار شیخ اجل سعدی شیرازی آشنا هستند، جای گرفت. از اینرو نام «کاشغر»، در وهله نخست یادآور سفر سعدی به چین است.^۱ درباره این موضوع که «آیا سعدی به «کاشغر» مسافرت کرده یا او این داستان را بر سیبل مثال آورده است، نظریه‌های مختلفی وجود دارد که در اینجا از آن میگذریم؛ اما گفتار سعدی و آشنایی عمیق ایرانیان با کتاب *گلستان* و آموزش این کتاب در سنت آموزشی قدیم ایران، بعنوان یکی از مهمترین کتابهای آموزشی، زمینه آشنایی تحصیل‌کردگان ایرانی را (در گذشته و حال) از طریق آثار سعدی، با نام «کاشغر» فراهم آورد. با وجود این، آشنایی ایرانیان با این شهر به دوره قبل از اسلام و زمانی که تجار و بازرگانان ایرانی، مسیر جاده ابریشم را برای تبادل کالا با چین انتخاب میکردند، باز میگردد. اینان به‌ناچار از کاشغر عبور کرده و در حقیقت قرار گرفتن این شهر در مسیر جاده ابریشم، موجب شهرت آن در نزد دیگر ملل و از جمله ایرانیان

۱. برای آگاهی بیشتر ن. ک. به: شیخ مصلح الدین، سعدی؛ *گلستان سعدی*، باب پنجم در عشق و جوانی.

بوده است. در یکی از قدیمیترین متون فارسی ایرانی پیش از اسلام؛ یعنی «کتیبه کعبه زرتشت» که از متون مهم دوره ساسانیان است، نام این شهر با عنوان «کاشی» بچشم میخورد. این نام قدیمیترین نوشته فارسی در مورد «کاشغر» محسوب میشود.^۱ در اینجا، گزیده‌یی از مهمترین متون فارسی که در آنها به موضوع کاشغر پرداخته شده است، آورده میشوند. هدف اصلی این مقاله ارائه حداقل آگاهی از منابع و مراجع تاریخی؛ جغرافیایی و ادبی است که درباره کاشغر اطلاعاتی را ثبت رسانیده‌اند.

الف) کاشغر در متون تاریخی، جغرافیایی و ادبی قرون نخستین اسلامی تا دوره صفویه

قلمرو شاهنشاهی ساسانیان با حمله نیروهای عرب مسلمان در حیطه حکومت اسلامی قرار گرفت. گسترش فتوحات اسلامی (در بخشهای مهمی از جهان شناخته شده در آن ایام) و تبادل علمی و فرهنگی اقوام مختلف، موجب رشد و رونق بسیار علوم اسلامی از قرون دوم و سوم هجری قمری بعد شد. بدین ترتیب تحقیقات بسیاری در زمینه‌های مختلف علمی، مانند تاریخ، جغرافیا و نجوم انجام و کتابهای بسیاری در مورد آنها نوشته شد. از جمله مهمترین متون این دوره، میتوان به کتابهای جغرافیا اشاره کرد. در این کتابها به تقسیم خشکیها؛ توصیف کره زمین؛ مناطق؛ شهرها و آبادیهای مختلف و نیز به معرفی و بررسی راهها و ایستگاههای تجاری اشاره شده است. از اینرو کتابهای جغرافیایی این دوره را میتوان «راهنمای مسیرهای تجاری» نیز نامید. یکی از مسیرهایی که در بسیاری از کتب جغرافیایی در مورد آن به آگاهیهای اشاره شده است، راه زمینی و دریایی ایران به چین؛ یعنی «جاده ابریشم» است. نویسندگان، در توصیف این مسیر، ضمن معرفی شهرها و آبادیهای بین‌راهی، برخی ویژگیهای اقتصادی و فرهنگی این شهرها را نیز شرح داده‌اند. یکی از قدیمیترین متون جغرافیایی فارسی که در مورد کاشغر، اطلاعاتی ارائه داده است، کتاب حدود *العالم من المشرق الی المغرب* (تألیف: قرن چهارم هجری قمری) است که از معتبرترین متون جغرافیایی ایران بحساب می‌آید. مؤلف این کتاب ناشناس و اساس تألیف آن بر توصیف شهرهای مهم، در مسیر جاده ابریشم و بسیاری از شهرهایی که بعنوان ایستگاههای مهم توقف کاروانها بشمار میرفته‌اند، بوده است. همچنین این کتاب منبع بسیار خوبی، درباره اقتصاد، کشاورزی و

۱. کتیبه شاپور یکم در کعبه زرتشت. این کتیبه بر دیوار ساختمان «کعبه زرتشت» در نقش رستم، در استان فارس کنده شده است. برای آگاهی بیشتر از متن این کتیبه ن.ک. به: عریان، ۱۳۸۲: ۷۰.

آداب و رسوم مردم این شهرها بشمار می آید. در این کتاب از چین، باعنوان کشور «چینستان»^۱ نام برده شده است که منطبق با نام «چین» در دوران ایران باستان است. عبارت «چینستان» در متون ارمنی نیز بچشم میخورد (موسی خورناتسی، ۱۳۸۰: ۱۶۰). کتاب *حدود العالم من المشرق الی المغرب*، قدیمیترین متن جغرافیایی بعد از اسلام است که از کاشغر، بعنوان «یکی از شهرهای چین در مسیر جاده‌های کاروانی، بسمت غرب و شرق و جنوب» یاد کرده است. بااحتمال زیاد، مؤلف از اهالی ماوراءالنهر بوده است؛ از اینرو اطلاعات مؤلف (از جایگاه کاشغر در جاده ابریشم)، بویژه از ایستگاههای مهم دسترسی راههای زمینی شرق به غرب در مسیر جاده ابریشم، اهمیت بسزایی پیدا میکند. همچنین براساس اطلاعات مندرج در کتاب *حدود العالم من المشرق الی المغرب*، میتوان جاده‌های مختلف منتهی به چین را مورد مطالعه قرار داد. او درباره «کاشغر» مینویسد: «کاشغر از چینستان است و لیکن بر سرحدی است، میان یغما؛ تبت؛ قرقیز؛ چین. مهتران کاشغر اندر قدیم از خُلج بودندی یا از یغما» (حدود العالم...، ۱۳۵۲ ه.ق. : ۵۰).

اطلاعات مندرج در این متن جغرافیایی نشان میدهد که کاشغر در قرون نخستین اسلامی یکی از ایستگاههای مهم مسیر جاده ابریشم، به چین بوده است و دیگر متون تاریخی این دوره نیز، این امر را تأیید میکنند. محمد بن احمد مقدسی در *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم* (تألیف: اواخر قرن چهارم هجری قمری)، در توضیح جاده‌های کاروانی شرق به غرب از «کاشغر» یاد کرده و در این مورد مینویسد:

«از دورترین نقطه شرق از کاشغر تا دریای محیط نزدیک به دو ماه راه است و حدود دو هزار و ششصد فرسنگ است و آنچه من میگویم این است که از دورترین نقطه مشرق تا کاشغر تا «سوس»^۲ که دورترین نقطه مغرب است، حدود دو ماه راه است» (مقدسی، ۱۴۱۱ ه.ق. : ۶۴).

درباره مسیرهای منتهی به شهر کاشغر در یکی دیگر از منابع فارسی، بنام *زین الاخبار نوشته ابی سعید عبدالحی محمود گردیزی* (تألیف: ۴۴۲ یا ۴۴۳ ه.ق.) آمده است:

«اما راه تبت از ختن تا بالشان بیرون آید و برگردد بر کوههای ختن و آن کوهها آبادانست و

۱. مؤلف *حدود العالم من المشرق الی المغرب* در بخشی با عنوان «سخن اندر نهاد دریاها و خلیجها» مینویسد: «نخست دریای اخضر است. اینکه اقیانوس مشرقی گفتیم و حد او معلوم است از آخر عمارت جنوب تا به خط استوا و جزیره «واق واق» و ناحیت چینستان». در این کتاب در پانزده مورد از «چین» با عنوان «چینستان» یاد شده است. ن.ک. به: *حدود العالم من المشرق الی المغرب*، ۱۳۵۲ ه.ق. : ۵۰-۴۷-۴۶-۴۱-۳۹-۳۸-۳۶-۱۸-۱۷-۱۳-۱۲-۸-۷-۳-۲.

۲. شهر «سوس» در کشور مغرب کنونی در شمال آفریقا واقع شده که در آن ایام، بعنوان دورترین شهر غربی کره زمین شناخته میشده است.

اندرو چهارپایان بسیار باشند از گاو و گوسفند و قچقاو [گاو کوهی] و ازین کوهها به الشان رسد و از آنجا پلی است، نهاده از یک کناره کوه تا دیگر کناره کوه و چنین گویند که آن پل مردمان ختن کرده‌اند، اندر روزگار پیشین و ازین پل تا در تبت خاقان کوهیست که چون نزدیک او شوی از هوای او دم مردم بگیرد و چنانکه دم نتواند زدن و زبانش گران شود و بسیار مردم اندران بمیرد [ند] و مردمان تبت این کوه را «کوه زهر» خوانند و چون از شهر کاشغر روند، بروند بر راست راه، میان دو کوه از سوی مشرق و برو بگذرد به ولایتی رسد که او را «اوزگند» گویند و ولایت او چهل فرسنگ است، نیمی ازو کوهها و کاشغر را ده‌های بسیار است و روستاهای بیشمار و اندر ایام پیشین، آن ولایت مر تبت خاقان را بودی. از ولایت کاشغر به سار سامکث شود و از آنجا به الیشورود و بیابان ببرد تا جوی آید که سوی «کوچا» شود و بر لب این جوی سوی پهلوی بیابان ده «حمحان» است که تبتیان باشند اندر وی و پس رودی آید که به کشتی از آن رود بگذرند و به حد تبتیان اندر آیند و چون ولایت تبت خاقان رسد، آنجا بتخانه‌یی است و اندرو بتان بسیار باشند و از آن بتان یکی بتی است بر تخت نشسته و پس پشت او چیزی نهاده از چوب و آن بت بر آن چوب، چون سر تکیه زده است. چون دست بر پشت آن بت فرود آری از وی چون شرر آتش بیرون آید و بر چپ این جای صحراست و بیابان و اندر وی درختان عناب بسیار باشد بر کرانه رود» (گردیزی، ۱۳۶۳: ۵۶۳).

با وجود این در برخی از منابع تاریخی که درباره موضوع کیفیت فتح سرزمینهای دیگر از سوی نیروهای مسلمان نوشته شده، اطلاعاتی از کیفیت فتح نواحی مجاور کاشغر نیز آمده است. محمد بن جریر طبری در کتاب *تاریخ الرسل و الملوک* (تألیف: اواخر قرن سوم هجری قمری)، برای نخستین بار در ضمن وقایع سال ۹۶ ه.ق. از کاشغر، بعنوان «دروازه ورودی چین» یاد کرده و شرح اولین برخوردهای مسلمانان با پادشاه چین را توضیح داده است (طبری، ۱۳۸۷ ه.ق.: ۶/۵۰۰). ابن اعثم کوفی محدث، شاعر و مورخ، نیز در کتاب *الفتوح* (تألیف: قرن سوم هجری قمری)، روایت را به همین شکل نقل کرده است (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱ ه.ق.: ۷/۱۶۵).

ابوعلی بلعمی، وزیر مشهور سامانیان که کتاب *تاریخنامه طبری* را از عربی به فارسی ترجمه کرده (ترجمه: قرن چهارم هجری قمری) و بر آن مطالبی افزوده، در شرح رویدادهای لشکرکشی مسلمانان، به نواحی شرقی از لشکرکشی مسلمانان به چین، یاد کرده و باعنوان «خبر گشادن کاشغر و رفتن قتیبه به غز و چین» مینویسد:

«چون ولید بن عبدالملک مرد، مردم سلیمان را بیعت کردند. قتیبه از او براندیشید. سپاه برگرفت

و رود بلخ بگذاشت و همی خواست که عیال خویش به سمرقند برد و آنجا استوار کند. چون از رود بگذشت و روی به کاشغر نهاد و این نزدیکترین شهری است از چین. چون قتیبه آنجا رسید، ملک چین آگاه شد. رسول فرستاد و از قتیبه اندرخواست و گفت: باید که یکی را از مهتران لشکر سوی من فرستی تا ما از وی چیزی بپرسیم و او از دین شما مرا آگاه کند. قتیبه بن مسلم، دوازده مرد را بگزید از مسلمانان، مردمان با شکوه و فصیح و بفرمود تا ایشان را سلاح دادند و از هرگونه جامه‌های لطیف و نرم و اسبان نیک و آلات و ساخت پسنديده و ایشان را گسیل کرد سوی ملک چین و از ایشان هبیره بن مشمرج الکلابی بود و او مردی نیکو سخن بود. پادشاه چین کس فرستاد و ایشان را بخواند» (بلعمی، ۱۳۷۳: ۴/۸۶۲).

یعقوبی، مورخ و جغرافی‌نویس مسلمان، در تاریخ یعقوبی (تألیف: قرن سوم هجری قمری)، ضمن شرح حوادث خلافت منصور از لشکرکشی مسلمانان به ناحیه «فرغانه» یاد کرده و کاشغر را مقر پادشاه آن ناحیه، با نام «قیران بن افراکفرن» نامیده است (یعقوبی، بی تا: ۲/۳۸۴).

ابوریحان بیرونی، دانشمند و منجم مشهور ایرانی در *التفهیم لاوائل الصنعه التنجیم* (تألیف: قرن پنجم هجری قمری) که از معتبرترین کتب جغرافیایی و نجومی ایرانی و اسلامی بشمار می‌رود، در مورد جغرافیای چین و شهرهای مهم آن مینویسد:

«اما اقلیم اول از مشرق زمین و از چین آغازد و بر دریای چین بگذرد و این جویهاست که از دریا کشتی برگیرند به بارگاههایی، چون «خانجو» و «خانفو» و مانند آن دارد... اقلیم چهارم از سرزمین چین بگذرد و «قتا»، «ختا» و «ختن» و کاشغر و شهرهای دیگر» (بیرونی، نسخه خطی: ۱۵۴). در کتاب *التفهیم*... نقشه ممالک هفت‌گانه جهان، ترسیم شده که در این نقشه، چین در اقلیم هفتم و از شرقیترین ممالک عالم است. اطلاعات مندرج در کتاب ابوریحان بیرونی با توجه به تسلط او بر علم جغرافیا و بهره‌گیری از متون تاریخی و جغرافیایی پیش از اسلام از اهمیت بسیاری برخوردار است. در کتاب *مجمل التواریخ و القصص* (تألیف: ۵۲۰ هجری قمری) از پادشاه «کاشغر» با عنوان «خان» یاد شده است (مجمل التواریخ و القصص، بی تا: ۱/۳۱).

یاقوت حموی در *معجم البلدان* (تألیف: قرن ششم هجری قمری)، کاشغر را نقطه آغاز اقلیم پنجم از اقلیمهای هفتگانه قلمداد کرده (یاقوت حموی، ۱۹۵۵: ۴۲۰) و درباره آن مینویسد: «کاشغر شهری است با قریه‌ها و رستاقهای بسیار و مسافران از طریق سمرقند بدانجا مسافرت میکنند و میانه بلاد ترک واقع شده و مردم آنجا مسلمانند و از متأخر سن دیگری ابوالمعالی طغرلشاه محمد بن حسن بن هاشم کاشغری واعظ بدانجا منسوب است که فردی فاضل بوده و در سال

۴۹۰ ه.ق. در آنجا متولد شده است و دیگری أبو عبدالله الحسین بن علی بن خلف بن جبرائیل ابن‌الخلیل بن صالح بن محمد الألمعی الکاشغری از مشایخ فاضل آن شهر و دارای تصانیف بسیار است» (همان: ۴/۴۳۰).

کتاب تاریخ بخارا، اثر محمد بن جعفر نرشخی یکی دیگر از منابع فارسی است که در آن مؤلف، به اطلاعات بسیار جالب و به نسبت مفصلی از کاشغر اشاره کرده است. او درباره شهر کاشغر مینویسد: «ولایتی است در نهایت خوبی و خوش آب و هوایی، مرز شمالیش کوههای مغولستان است و از آن جبال رودخانه‌های کاشغر بجانب جنوب روان است. آن ولایت را مرزی به «شاش»^۱ اتصال مییابد و مرزی به «تورفان» گذشته به زمین «قالیماق» درمی آید و از آن طرف بغیر «قالیماق» جایی که کس ندیده است. از شاش تا تورفان سه ماهه راهی است و مرز غربیش کوهی است طولانی که کوههای مغولستان ازین کوه منشعب میگردد. ازین کوه نیز رودخانه‌ها از مغرب به مشرق روان و ختن در دامن این کوه افتاده است و مرز شرقی و جنوبی‌اش صحرائی است که تمام، جنگل و بیابان است... در زمان قدیم در آن بیابان شهرها بوده که از آن جمله دو شهر را نام باقی است که یکی را «توب» و دیگری را «کنک» گویند و باقی در زیر ریگ نهان گشته و در این صحرا اشترانی هستند که در دشت زندگی میکنند و شکار میشوند. دارالملک کاشغر بر دامن کوه غربی افتاده و از آن کوه هر آبی که فرود می آید، تمام صرف زراعت و عمارت میشود و از آن آبها یکی «تمن» نام دارد که در زمان سابق از میان شهر کاشغر میگذشته و میرزا ابوبکر که یکی از پادشاهان آن ولایت بوده، آن شهر را ویران ساخته و بر یک جانب آن شهری دیگر بنا نهاده است و آن آب، اکنون از کنار آن شهر جریان میپذیرد و دیگر از شهرهای آن ولایت «یارکند» است که آن نیز در قدیم شهری عظیم بوده و گنجها از آن شهر یافته شده؛ اما بتدریج رو به خرابی نهاده نزدیک بود که حیوانات وحشی در آن مسکن سازند و جغد آشیانه نهد که میرزا ابوبکر از آب و هوای آن خوشش آمده و آن را دارالملک ساخته، عمارت عالی بنا نهاد و جوپهای آب جاری گردانید و چنین شهرت دارد که در زمان میرزا ابوبکر در اصل شهر و آبادیهای وابسته به آن، دوازده هزار باغ احداث شده است و همچنین حصاری در آن شهر ساخته که تعداد نهرها و درختان و باغهای بهشتی‌اش بهتر از «یارکند» جایی نیست و آبش بهترین است. کاشغر دیوارش سی ذراع^۲ است و در تمام آن دیار آبهای روان است و از عجایب آن آب، یکی آن است که

۱. نام دیگر چاچ. (اخ) نام شهری از ترکستان نزدیک تاشکند، مرکز جمهوری ازبکستان (لغتنامه دهخدا).

۲. ذراع واحد اندازه گیری قدیمی مسلمانان است که برابر با ۱۱۴ سانتیمتر است.

اول بهار که وقت زیادتی دیگر آبهاست، نهایت قلت و کمی را دارد و چون فصل تابستان شود، غایت شدت پیدا میکند؛ اما با این صفات همواره کدری و غباری بر هوای «یارکند» مستولی است» (محمدبن جعفر نرشی، ۱۸۹۲: ۲۶۸-۲۶۷).

کتاب جغرافیایی فارسی دیگری که درباره کاشغر مطالبی را نقل کرده است، *صورالاقالیم* یا *هفت کشور* (از نویسنده‌ی ناشناس از قرن هشتم هجری) است که در شرح آبادیهای اقلیم چهارم مینویسد: «بعد از آن آخر بلاد ختاست و صحرايي و کوهی که «قاقم»^۱ و سنجاب و آهوی مشک و غیره بسیار باشد. بعد از آن کوهی چند طولانی است و اول بلاد ترکستان و «خانباغ» و شهری که افراسیاب ساخته و کوهی در آن حوالی است که در آنجا معدن فلزی به نام «دهنج»^۲ است که به یاقوت شبیه است؛ اما دهنج فرنگی بهتر باشد و از آن طرفها سازند و آن را عزیز دارند. بعد از آن «قراقروم» و بیش «بالغ» و «آمالیغ» و «ختن» و «کاشغر» است و بیشتر این مواضع سردسیر است» (*صورالاقالیم*، ۱۳۵۳: ۱۰۰). یکی از آخرین متون جغرافیایی قدیم فارسی که درباره «کاشغر» اطلاعاتی را ثبت کرده است، متن جغرافیایی دوره صفویه؛ یعنی کتاب مختصر و مفید، نوشته محمد مفید مستوفی یزدی است. در این کتاب در توصیف «اقلیم پنجم» آمده است: «بلاد اقلیم پنجم: کاشغر؛ ختن؛ سمرقند؛ بخارا؛ خوارزم؛ ارمنیه؛ روم؛ روس؛ فرغانه؛ بادکوبه؛ شماخی است و این اقلیم باتفاق نظر همه حکما، منسوب به سیاره زهره^۳ است» (مستوفی یزدی، ۱۹۹۱: ۱۱-۱۲).

ب) کاشغر در متون منظوم فارسی

یاد و خاطره کاشغر نزد ایرانیان، به متون تاریخی و جغرافیایی فارسی منحصر نشده و برخی ویژگیهای طبیعی و انسانی این ایستگاه مهم جاده ابریشم، به متون ادبی، بویژه به اشعار شعرای فارسی‌زبان نیز وارد شده است. شعرای فارسی‌زبان از قرن پنجم هجری بعد و بتناوب، در اشعار خود نام کاشغر را ذکر کرده و در برخی موارد نام این شهر را بخاطر شهرتی که در آب و هوای بسیار خوب و طبیعت زیبا داشت، ستوده‌اند؛ بعنوان مثال، میتوان عبارتهای «دیباي کاشغر»؛ «سرو

۱. قاقم حیوانی شبیه راسو.

۲. سنگ قیمتی شبیه زمرد.

۳. در متون جغرافیایی قدیم و بر اساس نظر منجمین باستانی، هر اقلیمی از کره زمین، منسوب به یک ستاره و اقلیم پنجم منسوب به ستاره زهره است.

کاشغر؛ «مشک کاشغر»؛ «سواران چالاک کاشغر» و «ماه کاشغر» اشاره کرد که در اشعار شعرای ایرانی از آنها یاد شده است. در این بخش، با هدف آشنایی هرچه بیشتر محققان در مورد کاشغر، به برخی از اشعار شعرای ایرانی که به این موضوع پرداخته‌اند، اشاره میشود. ترتیب این اشعار بر اساس تقدم زمانی از شعرای قرن پنجم هجری شروع میشود. همین امر نشان از تداوم تاریخی حضور کاشغر، در حافظه تاریخی ایرانیان تا دوره معاصر دارد.

فرخی سیستانی (اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری قمری)

از حبش تا کاشغر، وز کاشغر تا اندلس

هر کجا گویی ملک مسعود گوید آفرین

ناصر خسرو قبادیانی (قرن پنجم هجری قمری)

خطبه نجستم به کاشغر نه به بغداد

بد به چه گوید همی به خلیفت و خانم

امیری معزی (قرن پنجم و ششم هجری قمری)

گاه کوشش آنچه در کاشغر بستد ز خان

گاه بخشش باز آخر به خان کاشغر

گرد گردانت رسید از کاشغر تا قیروان

شور شیرانت رسید از قیروان تا کاشغر

ای شاه، غلامان تو دارند به اقطاع

چین و ختن و کاشغر و خرالغ و یغما

صبح اقبالش دمیده است از ختن تا قیروان

باد افضالش رسیدست از یمن تا کاشغر

خاقانی شروانی (قرن ششم هجری قمری)

چه کنی نقض مشک کاشغری

که غر آخر حروف کاشغر است

سنایی غزنوی (قرن ششم هجری قمری)

از قضای بحتری^۱ از حله در تا قیروان
بر وفای رودکی از دجله در تا کاشغر
از چین و ختا و ختن و کاشغر آیند
از تبت و یغما وز خرخیز و تارانند

امیر معزی (قرن ششم هجری قمری)

یکی دیباست روی او که پیش او شود کاسد^۲
هر آن دیبا که از بغداد و روم و کاشغر خیزد

مسعود سعد سلمان (قرن ششم هجری قمری)

ای به قد بر کشیده، همچو سرو کاشغر
ای رخ خوب تو همچون ماه و از وی خوبتر

نظامی گنجوی (قرن هفتم هجری قمری)

ز قرقیز و از چاچ و از کاشغر
بسی پهلوان خوانند، زرین کمر

مجد همگر (قرن هشتم هجری قمری)

بدان چستی و چالاکی سواری
به چین و کاشغر خاقان ندارد

عطار نیشابوری (قرن ششم و هفتم هجری قمری)

گه به تخت و دشت داری تکیه گاه
گه درون کاشغر داری سپاه

۱. از شعرا و نویسندگان مشهور عرب که رعایت عدالت او در قضاوت مشهور است.

۲. واژه‌ی عربی؛ بمعنای از رونق افتادن.

خواجهوی کرمانی (قرن نهم هجری قمری)

چین داد پاسخ که از کاشغر
نخستین شدم سوی چین رهسپر

قاآنی شیرازی (قرن سیزدهم هجری قمری)

چون عقده دلم نگشاید به ملک فارس
باید کشید رخت مرا به کاشغر
در چین و کاشغر ز پی چون تو دل فریب
همواره پای اهل نظر رهسپر بود
بنشاندمش به پیش و می دادمش کزو
هم رنگ لاله شد رخ آن ماه کاشغر
هر یک ز روی تافته یک کاشغر پری
هر یک ز موی بافته یک شهر زنگبار
شمع طراز ماه چگل شاه کاشغر
ترک خطانگار ختن نوبهار چین
خالش به تیرگی آزرم زنگبار
چهرش به روشنی آشوب کاشغر

نیر شیرازی (قرن چهاردهم هجری)

فتنه کاشغر، آشوب خطا، شور تثار
شوخ چین، آفت کشمیر و بلای ختن است

ج) موقعیت کاشغر در جاده ابریشم، بر اساس یک نقشه تاریخی از دوره مغول

با تأسیس امپراتوری مغولان (اوایل قرن هفتم هجری قمری) و توسعه قدرت آنان از شرق تا سواحل مدیترانه و بوجود آمدن یک امپراتوری واحد، موجبات مدیریت یکپارچه جاده ابریشم، در این مناطق فراهم شد. از اینرو جاده ابریشم در نواحی یاد شده، بطور موقت، تحت مدیریت یکپارچه‌یی قرار گرفت که در نتیجه، این مسیر تاریخی و ایستگاههای مختلف شهری و روستایی آن از رونق و

آبادانی برخوردار شدند؛ البته باید اشاره کرد که پس از مرگ چنگیزخان مغول و گسترش درگیریهایی جانشینی و ایجاد ناامنی در مسیر جاده ابریشم، راههای دریایی جنوب ایران در خلیج فارس که به دریای شرقی چین منتهی میشدند، نیز پیشرفت بسیار کرد. بدین ترتیب جغرافی نویسان ایرانی این دوره و از جمله حمدالله مستوفی، مورخ و شاعر و جغرافی دان ایرانی (قرن هفتم و هشتم هجری قمری)، توجه خود را بثبت و ضبط مسیرهای تجاری و شهرهای بین راهی جاده ابریشم معطوف کردند. حمدالله مستوفی، برای نخستین بار اقدام به ترسیم یک نقشه شبکه دار جدید^۱ از جاده ابریشم و شهرهای آن کرد. این نقشه، نمونه بسیار خوبی از ترسیم مسیرهای تجاری جاده ابریشم در قرن هفتم و هشتم هجری قمری / سیزدهم و چهاردهم میلادی است. حمدالله مستوفی از مشهورترین مورخان و جغرافی نویسان ایرانی دوره مغول است و دو کتاب مشهور تاریخ گزیده (تألیف: ۷۳۰ ه.ق.) و *نزهة القلوب* (تألیف: ۷۴۰ ه.ق.) از جمله آثار اوست. تاریخ گزیده، درباره تاریخ و نزهة القلوب درباره جغرافیای جهان است. او از کارگزاران اداری ایران در دوره ایلخانان مغول بوده و بنابراین به منابع مختلف و باارزشی دسترسی داشته است. حمدالله مستوفی در کتاب *نزهة القلوب*، بتوصیف شهرها و آبادیها و ایستگاههای مهم عبور و مرور کاروانهای تجاری از شرق به غرب پرداخته و موقعیت شهرهای مهم را با ترسیم نقشه ثبت کرده است. بر اساس یکی از این نقشهها، در دوره مغول راهها و ایستگاههای بسیاری از غرب به شرق وجود داشته است. در این میان، موقعیت کاشغر از اهمیت بسیاری برخوردار بوده و بیشتر راههای مختلف مسیر جاده ابریشم، برای ورود به چین باید از این شهر میگذشت. این نقشه نشان میدهد که در آن زمان کاشغر، در جاده ابریشم، بعنوان مهمترین توقفگاه چین و تبادلات اقتصادی آن بشمار می آمده است. بر اساس نقشه حمدالله مستوفی، مسیرهای ارتباطی و تاریخی جاده ابریشم به کاشغر، اینگونه تقسیم بندی و توصیف میشود:

- مسیر جنوبی از بلخ و طالقان و بدخشان (افغانستان کنونی) و سپس کاشغر؛
 - مسیر میانی از مرو و بخارا و سمرقند و کاشغر؛
 - مسیر شمالی از ناحیه خوارزم و قراقرم و کاشغر.
- مهمترین شهرهای ذکر شده در مسیرهای غربی این نقشه، عبارتند از:
- طرابوزان؛ بغداد؛ تبریز؛ ارمنستان؛ مراغه؛ ساوه؛ شیراز؛ کرمان؛ نیشابور؛ طبرستان؛ قائن؛ هرات؛ مرو؛ بلخ؛ بدخشان؛ طالقان؛ خوارزم؛ سمرقند.

۱. برای آگاهی از ویژگیهای نقشه حمدالله مستوفی ن.ک. به: وثوقی و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۳ - ۲۲.

نتیجه‌گیری

آگاهی مورخان و جغرافی‌نویسان ایرانی و اسلامی از موقعیت شهر کاشغر، بعنوان یکی از ایستگاه‌های مهم تجارت زمینی با چین، برگرفته از حافظه تاریخی ایرانیان در دوره پیش از اسلام بوده است؛ عبارت دیگر ایرانیان با کاشغر و شهرهای مسیر جاده ابریشم از دوره هخامنشیان آشنایی داشته و این اطلاعات و آگاهیها در دوره اسلامی و با گسترش فتوحات مسلمانان، به جهان اسلام منتقل شد. از اینرو در منابع تاریخی و جغرافیایی و متون ادبی دوره اسلامی، نشانه‌های بسیاری از موقعیت جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی کاشغر بچشم می‌خورد که در اینجا به برخی از آنها پرداخته شده است. بدین ترتیب کاشغر در طول تاریخ، بعنوان مهمترین شهر گذرگاهی (در جایگاه یک میانجی)، در تبادلات اقتصادی و فرهنگی بین ایران و چین (پیش از اسلام) از یک سو و میان جهان اسلام و چین (بعد از اسلام) از سوی دیگر، مورد توجه ایرانیان قرار داشت.

منابع

- این أعثم کوفی، ابومحمد احمد بن علی؛ الفتوح، بتحقیق علی شیری، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۱۱ ه.ق.
- بلعمی، ابوعلی؛ تاریخنامه طبری، بتصحیح محمد روشن، تهران: انتشارات البرز، ۱۳۷۳.
- بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد؛ التفهیم لاوائل الصناعات التنجیم، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- حدودالعالم من المشرق الی المغرب؛ بتصحیح سید جلال تهرانی، تهران: مطبعة مجلس ملی ایران، ۱۳۵۲ ه.ق.
- سعدی، مصلح الدین؛ گلستان سعدی، باب پنجم در عشق و جوانی.
- طبری، محمد بن جریر؛ تاریخ الرسل و الملوک، بتحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث، ۱۳۸۷ ه.ق.
- عریان، سعید؛ راهنمای کتیبه‌های ایرانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۲.
- گردیزی، ابی سعید عبدالحی محمود؛ زین الاخبار، بتصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳.
- مجمل التواریخ و القصص؛ بتحقیق ملک الشعراء بهار، تهران: انتشارات کلاله خاور، بی تا.
- محمدباقر، و ثوقی و همکاران؛ وصف خلیج فارس در نقشه‌های تاریخی، تهران: بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۸۷.
- مستوفی یزدی، محمد مفید؛ مختصر و مفید، بتصحیح سیف الدین نجم آبادی، آلمان: ویسبادن، ۱۹۹۱.

- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد؛ احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، قاهره: مکتبه مدبولی، ۱۴۱۱ ه.ق.

- موسی، خورناتسی؛ تاریخ ارمنیان، ترجمه و مقدمه از ادیک باغداساریان، تهران: ادیک باغداساریان، ۱۳۸۰.

- نرشخی، محمد بن جعفر؛ تاریخ بخارا، بتصحیح چارلز شفر، پاریس، ۱۸۹۲.

- هفت کشور یا صور الاقالیم؛ بتصحیح منوچهر ستوده، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران زمین، ۱۳۵۳.

- یاقوت حموی؛ المعجم البلدان، بیروت: دارصادر، ۱۹۹۵.

- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب؛ تاریخ یعقوبی، بیروت: دارصادر، بی تا.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

